

مرگ ملا عمر و مسئله گفتگوهای سیاسی

عبدالله هروی



قانع سازد که به پای میز گفتگو بنشینند؟ نگرانی عمده این است که گفته می شود حامیان بیرونی طالبان نگران این هستند که نتیجه روند گفتگو به سودشان نباشد. به همین جهت مرگ ملاعمر را در همین زمان افشا ساخته اند و از جانب دیگر مسئله اختلاف درونی طالبان را بهانه ساخته اند تا مذاکرات یاد شده با برگزار نگردد و یا به فرصت نامعلومی تعویق یابند. به هروزی به نظر می رسد هم به دلیل نقطه ضعف های اساسی که از سوی حکومت افغانستان وجود دارد و هم به دلیل شرایط پیش آمده در گروه طالبان و احتیاطی که حامیان طالبان در پیش گرفته اند برای مدت زمانی مسئله گفتگو و مذاکره به حالت تعلیق در خواهد آمد و به این زودی منتظر برگزاری نشست بعدی گفتگوها نباشیم.

است که بر روی میز کار قرار گرفته است. واقعیت امر آن است که افغانستان اگر بخواید به زندگی خود ادامه دهد چاره ای ندارد جز اینکه به صلح و مصالحه روی آورد. در غیر این صورت نه تنها کشور هر روز بیشتر در باتلاق مرگ فرو خواهد رفت، بسا که همسایگان و منطقه را نیز بگونه ای در مصیبت خود دچار خواهد ساخت. ولی بر واضح است که آرزو نمودن و تمناکردن هرگز به معنی دست یافتن بدان نیست. برای رسیدن به هر آرزو و هدفی بایستی راهکار و میکانیزم مطابق با آن وجود داشته باشد. هدف دست یابی به صلح و پایان بخشیدن به جنگ ها و خشونت های بی پایان در کشور نیز جزو این قاعده است. این که برای رسیدن به چنین هدفی تلاش های بسپاری صورت گرفته است و هزینه های کلانی نیز به مصرف رسیده است اما نتیجه لازم تا کنون بدست نیامده است. بدین خاطر متأسفانه تدهای بسیار جدی بر روند جستجوی صلح در کشور وارد است. یکی از تدهای جدی که بر موضوع جستجو و تلاش برای صلح وارد می باشد اینست که باورمندی و صداقت دو جانبه در این امر وجود ندارد. قبل از همه با همه باهادر و تبلیغات وسیعی که برای صلح در کشور جریان دارد، ولی متأسفانه باورمندی به صلح فراگیر نیست. یعنی تمام طرف های قضا به صلح باور ندارند. در یک از طرف های قضا به صلح می خواهند که از سکوی صلح به امتیازات و مطالبات محدود خود دست یابند. حال آن که اهداف صلح یک هدف کلی بوده و منافع و مصالح عمومی در سطح کشور و منطقه را دربر می گیرد. تقصیر دیگری که بر روند جستجوی صلح می توان وارد نمود اینست که هیچگونه میکانیزم و برنامه روشن و جامع درباره وجود نداشته و ندارد. اولویت ها و معیارها هرگز مورد بحث قرار نگرفته اند. تعهد و توانایی کسانی که این پروسه را باید به پیش ببرند مورد تجزیه و تحلیل قرار نگرفته است. جامعیت و تناسب آن درباره برآورده شدن منافع ملی به ارزیابی نشده

سرانجام پس از چندین سال خبرگزاری ها مرگ سیاه یکی از عاملین اصلی قتل و کشتار و جنایت در کشور را بصورت رسمی از زبان مقام های پاکستانی اعلام داشتند. ملاعمر دو سال و چند ماه پیش در بیمارستانی در اثر بیماری مرد. مرگ سیاه ملاعمر حداقل از دو جنبه مورد توجه است. نخست این که مرگ سیاه وی نازکترین مرهمی را بر دل زلسان و خاتواده های داغ دیده افغانستان برجای گذاشت. ملاعمر در طی دوران فرمانروایی خود بنام امیرالمؤمنین از ارتکاب کمترین جنایت در کشور در هیچ دوره ای هم چون دوران زندگی ملاعمر وقایع تکان دهنده و فجایع دهشتناک را در خود ثبت ننموده است. هر چند مرگ سیاه ملاعمر به معنای پایان یافتن خشونت و جنگ و جنایت نیست. کسانی که بنام اسلام و دین، فجیع ترین جنایت ها را مرتکب می شوند. اما حداقل این مسئله روشن گردید که جنایتکاران هم از چنگال مرگ توفان فرار را ندارند. آنان اگر از دادگاه و محاکمه و دادخواهی جامعه و حکومت می توانند بگریزند اما از چنگال مرگ هرگز راهی گریز ندارند.

نکنه دوم مسئله ادامه مذاکره و یا گفتگوهای سیاسی حکومت با مخالفین می باشد. چندی پیش نخستین دور مذاکره میان طالبان و حکومت صورت گرفت. گزارش گردیده است که نتیجه و فضای مذاکره مثبت بوده است. به همین دلیل دور دوم مذاکره نیز تعیین گردیده و بر آن توافق صورت گرفت. اما حال با اعلام مرگ سیاه ملاعمر رهبر طالبان چشم انداز این گفتگو و مذاکره در حالی که از انجام قرار دارد. برای روشن شدن بیشتر موضوع لازم است که مسئله اندکی تبیین گردد. باید تاکید ورزید که مسئله صلح یک ضرورت اجتناب ناپذیر و جدی برای افغانستان و منطقه است. بدین جهت موضوع مذاکره و صلح با مخالفین، بویژه طالبان که نیروی عمده مخالفین حکومت را تشکیل میدهند، از مدت ها بدین سوی

سرمقاله جنگ نیاز به قاطعیت دارد

طالبان در ماه های گذشته، جدی ترین حملات خود را بر مواضع دولتی و مردمی در ولایات مختلف کشور آغاز کرده اند. طالبان در این سال به قصد تصرف ولسوالی ها و ولایات حمله می کنند. نتیجه حملات طالبان بر مواضع دولتی و مردمی فجایعی در شماری از ولایات کشور از جمله بدخشان و ولایات شمالی بوده است. طالبان یک سیاست منظم و هدفداری را دنبال می کنند که به راحتی قابل فهم است. طالبان می خواهند جنگ را در گستره جغرافیای افغانستان توزیع کنند. جنگ از جنوب بیرون شده و به شمال افغانستان توزیع شده است. هم اکنون در مناطق مختلفی از ولایات شمالی کشور جنگ به شدت جریان دارد و احتمال سقوط شماری از ولسوالی ها در این ولایت به شدت وجود دارد. طالبان قدرت خود را به رخ دولت و جامعه جهانی می کشند. طالبان در مذاکرات صلح نیز به نحوی رفتار کرده اند که همیشه موضع برتر را در برای خود نگه داشته اند. طالبان هرگز در مذاکرات صلح به صورت درست و منطقی در مقابل دولت افغانستان ننشسته اند. طالبان در مذاکرات از یک آدرس و از یک زبان سخن نگفته اند. اگر بخشی از طالبان با دولت نشستند، عده ای دیگر از طالبان با آن به مخالفت برخاسته اند. وضعیت جنگ در حال حاضر که ولایات مختلفی درگیر در جنگی شدید با طالبان به سر می برند، به سود به نظر نمی رسد. از دست دادن مناطق برای مدتی و باز پس گیری آن بعد از مدتی، اولاً روحیه نظامیان و مردم را تخریب خواهد کرد. و ثانیاً ضربات جبران ناپذیری به دولت وارد خواهد آورد. هر گاه دولت منطقه ای را از دست می دهد، به معنای آن است که طالبان تمام آنچه در این منطقه وجود دارد را با خود می برند و چیزی برای دولت باقی نمی گذارند، بازپس گیری آن دوست نیروهای دولتی جز تصرف یک منطقه خالی چیز دیگری در بر نخواهد داشت. ایمن وضعیت برای مدتها روان است. این وضعیت برای ثبات و حاکمیت دولت تهدید جدی است. ادامه چنین وضعیتی از هر نظر هزینه سنگین انسانی و مالی بر دولت تحمیل خواهد کرد. دولت افغانستان باید به سیاست های نظامی و دفاعی خود در مقابل طالبان بازنگری کند. سیاست هایی که تا کنون در مقابل طالبان پیش برده شده است، ناکام بوده اند. این سیاست ها معجزونی از ناپختگی سیاسی و نظامی، بساج دهی به طالبان، بی توجهی به نیروهای خودی، بی توجهی به توان مردمی و حمایت های مردمی از نیروهای دولتی، و تکرار اشتباهات گذشته است. مقایسه عمل نظامی طالبان و دولت در یک محدوده کوچک که خوبی نشان می دهد، که چه نقص هایی در دولت وجود دارد که طالبان از آن به راحتی استفاده می برند. طالبان در هر حمله خود می خواهند ثابت کنند که آنان با جدیت و قاطعیت در پی اهداف خود هستند، در حالی که فرماندهان قوت های امنیتی با تعال و اعمال چهره ای نامطمین و غیر جدی از خود به نمایش می گذارند. حتما طالبان در مقابل نیروهای سیاسی عقبگردی از خود نشان نداده اند. طالبان همیشه دولت افغانستان را لایق مذاکره ندانسته اند ولی دولت افغانستان حتما با یک نماینده جعلی به گفتگو نشستند و به او باج داده اند. دولت افغانستان باید حداقل چهره ای جدی و مطمینی از خود برای مردم ترسیم کند. چهره ای نامطمین و غیر جدی حتما پرستیژ دولت را خراب می کند. جنگ بازیچه نیست که بشود با اعمال و مسامحه در آن ایستادگی کرد. در جنگ با کسانی که خون مردم را می ریزند، باید با جدیت و نهایت قاطعیت جنگید. همان گونه نیز در صلح، باید با قاطعیت و بر اساس ضوابط و نیازمندی های صلح، وارد پروسه صلح شویم.

تشدید رقابت های اقتصادی در منطقه و صلح در افغانستان

تحلیلگر: عبدالصیر صهبی صدیقی / قسمت دوم و پایانی

ها با در نظر داشت منافع افغانستان در منطقه، درست مدیریت نشود و این عدم مدیریت سبب می گردد که میدان نزاع بقاء را آرایش دهد که زور و کنار آمدن های مؤقتی تعیین کننده باشند. از طرف دیگر ایران در روابط خود با افغانستان عامل عمده مشکلات زیاد است که این مشکلات بانوبه نقش منطقه ای ایران



را کاهش و تقلیل می بخشد. این سه فکتور یعنی برجستگی پاکستان در سیاست خارجی آمریکا، مشکلات ایران با جهان و عدم ظرفیت سیاسی تعادل سازی و تشخیص ارجحیت رابطه های اقتصادی در منطقه بر اساس منافع ملی افغانستان، فکتور های اساسی اند که امکان رونق و شکوفایی بندر چابهار Port Chbahar را نسبت به بندر گوادر Gwadar Port تقلیل قابل ملاحظه می بخشد. برای اینکه افغانستان هم استقلالیت خود را حفظ کند و هم در جریان بروز جنگ های احتمالی در منطقه آسیای جنوبی و آسیای میانه از طریق بندر Chabahar Port چابهار پاکستان همواره به دست یابی به منافع بیشتر اقتصادی در منطقه است. رونق و شکوفایی بندر چابهار Chabahar Port به پرستیژ منطقه نی و بین المللی ایران و هند و ظرفیت تعادل سازی منافع همسایه ها در افغانستان با در نظر داشت منافع ملی افغانستان منوط و مربوط است. روابط هند و پاکستان همیشه پر از تنش بوده و این تنش در روابط هند و پاکستان همکاری های منطقه ای را در منطقه به حد زیاد تقلیل بخشیده است که گاه گاهی به جنگ های خانمانسوز و اکثر زدو خورد های مرزی بین شان انجامیده است. در افغانستان به علت تضاد های خصمانه سیاسی و در نتیجه آن ضعف ساختار های سیاسی در مدیریت جامعه و منافع آن، خیلی محتمل به نظر می آید که تعادل و ارجحیت های منافع همسایه

مرتبط می داند و برای بهتر شدن امور امنیتی، کار باهمی را بین افغانستان و پاکستان ضروری می داند. از طرف دیگر می دانیم که جنرال راحیل شریف رئیس ستاد ارتش پاکستان در مراسم رژه نظامی پاکستان بر موارد زیر تکریر و فوکس کرده بود که عبارتند از:

- ۱- تنها راه اندازی عملیات نظامی بر ضد تروریسم مؤثر نیست.
- ۲- صحه گذاشتن جهان بر نگرانی های امنیتی.
- ۳- مشارکت همه مردم در مبارزه بر ضد تروریسم.
- ۴- آمادگی پاکستان با دیگر کشور ها برای امداد صلح، نه به بهای از دست دادن حقوق حاکمیت و نه به بهای پامال شدن غرور ملی پاکستان.
- ۴- پرداخت هر قیمت برای حفظ ملت و منافع ملی پاکستان.
- ۵- مطرح بودن رونق و شکوفایی بندر استراتژیک گوادر Gwadar Port به حیث دهلیز اقتصادی چین و پاکستان بعنوان یک برنامه استراتژیک اقتصادی پاکستان.
- ۶- تر کیز بر آگاهی از پلان های دشمنان در برابر برنامه های استراتژیک پاکستان معطوف به بندر گوادر Gwadar Port و بر جسته ذکر کردن نقش ارتش پاکستان در همیم سازی نقشه ها و پلان ها بر ضد رونق و انکشاف بندر گوادر.
- اگر به صورت شیما تیک به جزئیات خبری اظهارات جنرال دونفور و راحیل شریف نظر انداخته شود دریافته می شود که لایبگری های پاکستان به موفقیت های انجامیده است که شک و تردید ها را که بر نقش دوگانه پاکستان (حمایت از تروریسم طالبانی در برابر دولت افغانستان و هم کاری با ائتلاف جهانی در مبارزه بر ضد تروریسم)، ابتناء دارند. از خود بزاداید و فضای سیاسی منتهی جهانی را نسبت به خود، مثبت سازد و اعتماد جهانی را بر اهمیت استراتژیک منطقه ای خود کسب کند و چنان می نماید و استنباط می شود که پاکستان در همکاری گسترده با ایالات متحده آمریکا، اهمیت بیشتری را در مبارزه بر ضد تروریسم در منطقه به خود اختصاص می دهد و افغانستان در فرم ضعیف ساختار های سیاسی خود دنباله رو پاکستان خواهد بود این خود می تواند که عامل بزرگ در رونق بندر استراتژیک گوادر

که از طریق افغانستان راه ورودی هند و ایران را به آسیای میانه ممکن می سازد و رونق بندر چابهار خواست پاکستان نیست زیرا بندر چابهار از اهمیت بندر گوادر Gwadar Port که پروژه مشترک چین و پاکستان است، می کاهد و طالب پوری پاکستان هم در افغانستان بر همین مینا بود تا موجودیت قدرت مند طالبان تقصیبتی برای منافع پاکستان در رابطه به بندر گوادر Gwadar Port باشد.

از واقعیت ها هویدا است که حالات به نفع پاکستان است زیرا نمای پاکستان از دید پنتاگون و به تبع آن در سیاست خارجی آمریکا صاف و شفاف ترسیم شده است که خطوط اصلی آن به طور خلاصه چنین است:

- ۱- صلح در افغانستان یک ضرورت حیاتی و اصلی در منطقه است و ثبات منطقه به صلح در افغانستان بستگی دارد و صلح در افغانستان، از دید پنتاگون مربوط و منوط به همکاری پاکستان است.
- ۲- آمریکا خواهان روابط مستحکم و قوی بین افغانستان و پاکستان است.
- ۳- آمریکا از امضای تفاهم نامه امنیتی بین ادارات امنیتی پاکستان و افغانستان رضایت دارد.
- ۳- آمریکا برای حفظ ثبات در منطقه که درواقع معد صلح و ثبات در افغانستان نیز است، خواهان روابط قوی و مستحکم هند و پاکستان است.
- ۴- آمریکا روابط پاکستان را به نفع منافع ملی آمریکا ارزیابی می کند.
- ۵- جنرال گفت که پاکستان بزرگترین دریافت کننده کمک های ائتلاف به رهبری آمریکا بوده است و خواهد بود، این از منافع آمریکا است که مشارکت دایمی با پاکستان صورت گیرد، برای برجستگی رول ایالات متحده آمریکا در افغانستان ضرورت ایجاد روابط دو جانبه آمریکا و پاکستان ضروری است.
- ۸- بنابر تصمیم جنرال دونفور د Gen Joseph F. Dunford Jr، کمک های آمریکا به پاکستان در ارتباط به منافع آمریکا و پاکستان رقم خواهد خورد.
- ۹- جنرال دونفور د Gen Joseph F. Dunford Jr، روابط افغانستان و پاکستان را بعد از انتخاب شدن اشرف غنی به حیث رئیس جمهوری افغانستان، مثبت ارزیابی می کند و امنیت افغانستان و پاکستان را به هم

با این صورت حال دیده می شود که پاکستان هم بیشتر از پیش در معرض خطر قرار دارد و از همین جهت است که طالبان افغانستانی را که خود پروریده است می خواهد با دولت افغانستان آشتی دهد و پرونده طالبان افغانستانی را بندد. اما این به این مفهوم نیست که پاکستان از منافع اقتصادی در منطقه با راه اندازی پروسه صلح طالبان افغانستانی با دولت افغانستان بعنوان عملیه میانجگری، صرف نظر کرده است بلکه شرایط و اوضاع جدید و تحولات در منطقه، برای پاکستان امیدوار کننده است تا برنامه های اقتصادی را در چوکات سیاست خارجی اش دنبال کند.

هند رقیب اصلی پاکستان در منطقه و ایران منافع مشترک اقتصادی در بندر چابهار دارند



روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

دکتر امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله زکی
کاریکاتوربوست: خالق علی زاده
دیزاین: محمد صالحی، علی اصغر زاهدی
مسئول وب سایت: محمد علی بهرامی
آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۲

